

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

نکته‌ای درباره رؤیت هلال ماه مبارک رمضان

در مورد حلول ماه مبارک رمضان و به حسب آنچه مراجع بزرگ و رهبری معظم فرموده‌اند امروز روز اول ماه مبارک رمضان است.

ما نکته‌ای را همیشه در مورد ولادت ماه بیان نموده و در رساله‌ای که در سال 84 نگاشته و در آن کفایت رؤیت با تلسکوپ را اثبات نموده‌ایم و باید مورد استفاده محققین استفاده قرار بگیرد نه مردم عادی - چون وظیفه آن‌ها تقلید از مراجع است - این است که امسال ولادت ماه در روز جمعه واقع شده و ماه جدید شده‌است. از ولادت ماه تا دیشب یعنی شنبه سی و چند ساعت سپری شده‌است. سوال این است که اگر روز یک‌شنبه آغاز ماه مبارک رمضان باشد، روز شنبه ملحق به کدام یک از این دو ماه می‌شود؟! آیا می‌توان گفت ملحق به ماه قبل است؟

بله آقایان در این قبیل موارد ماه هلالی و ماه شرعی تصویر نموده و می‌فرمایند: رؤیت‌پذیری در ماه شرعی لازم است. اما اشکال این است که در روایات دلیلی بر مطلب مذکور یعنی رؤیت‌پذیری وجود ندارد.

البته رؤیت در روایات با تعبیر «صُمُّ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطَرُ لِلرُّؤْيَةِ»^[1] وارد شده‌است و اگر همین مقدار بود موضوعیت رؤیت قابل استفاده بود یعنی متوجه می‌شدیم نزد شارع رؤیت، ملاک شروع ماه است. اما در همین روایات تعبیر «و لیس بالتضمنی» وارد شده‌است تا راه ظن و گمان بسته شود یعنی با ظن و گمان ماه را شروع نکنید.

اما در حال حاضر علم وجود دارد چرا که روز جمعه ماه ولادت پیدا کرده‌است و مسلماً شنبه جزء ماه جدید و اولین روز آن است و تردیدی در آن وجود ندارد. در حالی که آقایان می‌فرمایند: شنبه ملحق به ماه قبل است و به نظر ما این مطلب قابل التزام و تفوه نمی‌باشد. این مطلب طبق مبانی روشنی است که در این بحث وجود دارد؛ مثلاً آیا برای رؤیت موضوعیت قائل هستیم یا خیر؟!

البته این‌که ماه با چشم غیر مسلح در ایران و در روز شنبه قابل رؤیت نبوده‌است نیز ضرری به بیان مذکور وارد نمی‌کند چرا که در بخشی از زمین که با ایران اشتراک در شب دارند حتی با چشم غیر مسلح نیز ماه رؤیت شده‌است. لذا بسیار از کشورها مانند هند، افغانستان، روسیه، مالزی، اندونزی و آمریکا روز شنبه را به عنوان اول ماه اعلام نموده‌اند و نمی‌توان گفت این اعلام بدون مبنا است بلکه مبنای این حرف مطلبی است که ذکر شد.

یکی از بزرگان بلاد در تماس با ما گفت: مسئول نیروی انتظامی منطقه می‌گوید: ماه خیلی بلند است و امکان ندارد ماه شب اول

باشد و ما یقین داریم شب دوم ماه است. ایشان گفت در پاسخ به وی گفتم بلندی یا کوتاهی ماه معیار و دلیل نیست. اما به نظر ما بلندی یا کوتاهی ماه در زمان شک معیار نیست اما زمانی که علم داریم جمعه روز تولد ماه بوده است دیگر محلی برای شک باقی نخواهد ماند.

محکوم نمودن تعرض به نماد مرحوم امام خمینی(ره)

عمل بسیار مذبحانه و بزدلانه‌ای نسبت به اِلمان مرحوم امام خمینی (ره) در میدان مرجعیت اتفاق افتاده است که متأسفانه چند روز بعد نماد مربوط به مرحوم آیت‌الله بروجردی (ره) نیز به آتش کشیده شد.

روشن و واضح است که این عمل به دست مردم اتفاق نیافتاده است بلکه کاری سازماندهی شده می‌باشد که از جایی بیرون کشور به مزدوران پول می‌دهند و این قبیل کارها انجام می‌شود. لذا حتی اگر به این‌ها پول داده شود تا قرآن را نعوذبالله آتش بزنند، آتش می‌زنند.

افراد مباشر در این قبیل قضایا به دنبال گرفتن پول هستند اما در مقابل طراحان به فکر خام خود به دنبال این هستند که تزلزلی در این انقلاب عظیم و اعتقاد مردم بوجود بیاید. این‌ها مرحوم امام (ره)، انقلاب و مردم را نشناخته‌اند.

مشکلات در جامعه کم نیست و روزی نیست که شخصی انقلابی باشد و روی اساس دین، اعتقادات و مایه‌های فکری نسبت به مشکلاتی که برای مردم وجود دارد خون دل نخورد. مثلاً در مورد مسائل اقتصادی انسان خون دل می‌خورد که با وجود این گرانی‌ها یک انسان معمولی چگونه می‌تواند زندگی خود را سر کند؟!

اما علیرغم وجود این مشکلات، دزدی‌ها، ناجوانمردی و خیانت‌هایی که برخی مسئولین در دوره‌های مختلف نسبت به این مردم، دین و انقلاب روا داشته‌اند، قلب آن کسی که انقلاب را با تمام وجود پذیرفته است با چنین اعمالی متزلزل نخواهد شد. خانواده‌ای که چندین جوان را در راه این انقلاب داده است به هیچ وجه متزلزل نخواهد شد.

تزلزل مربوط به انقلابی‌نماها و «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ»^[2] است. اما کسی که می‌داند انقلاب از اساس دین برخاسته و امر و طرحی صرفاً سیاسی به معنای مصطلح در دوران خاص مانند کشورهای دیگر نیست متزلزل نمی‌شود. رهبر این انقلاب فردی فیلسوف، عارف و جزء آشناترین افراد در زمان خود به دین است. این مردم با اخلاص این انقلاب را که از متن برخاسته است انجام داده‌اند. مگر امکان دارد بگوئیم ما یک روز طالب چیزی که از متن دین برخاسته است هستیم و روز دیگر طالب آن نیستیم؟!

البته تبلیغات سوء فراوان است از جمله می‌گویند: مردم از خود دین برگشته‌اند. عده‌ای که دلسوز دین هم نیستند و قصد دارند نیشی به انقلاب بزنند می‌گویند: این انقلاب سبب شد عده زیادی از دین برگشته‌اند. بله این مسئله در مورد عده‌ای که دین آن‌ها متزلزل، از روی تقلید و ظاهری بوده طبیعی است. اما افرادی که دین خود را از مرحوم امام (ره) نگرفته‌اند بلکه دین را از راه برهان، قرآن، پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) گرفته‌اند مگر امکان دارد با وجود مشکلات موجود در نماز آن‌ها خللی واقع شود؟!

به نظر ما کاری که این افراد معدود انجام می‌دهند اگر پانصد سال پیش اتفاق افتاده بود شاید اثری داشت اما در حال حاضر این کارها در اراده ملت تزلزلی ایجاد نمی‌کند. این اعمال کاشف از این مطلب است که این‌ها در مورد این انقلاب بسیار درمانده و بیچاره شده‌اند.

خدا رو شاکریم که در حال حاضر در ماه مبارک رمضان هستیم و به ضیافت الهی دعوت شده‌ایم. یک مطلب این است که در مورد روزه خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^[3] که خطاب به مومنین است.

اما تعبیر «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در آیه دیگر این سوره به این‌گونه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^[4] وارد شده‌است و خطاب به ناس است. امام سجاد (علیه‌السلام) در مورد خطاب ناس می‌فرماید: این خطاب مربوط به مکلفین از فرزندان آدم است.^[5]

برخی خیال می‌کنند قرآن مربوط به ابتدای اسلام است در حالی‌که این گمان صحیح نیست و از روی عدم آشنایی و جهالت است چرا که طبق این آیه شریفه خطاب حتی به بشر قبل از اسلام نیز مربوط می‌شود اما چون نیستند نمی‌توانند این تکلیف را انجام دهند.

در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: خدا را عبادت نمائید به این جهت که او شما و پیشینیان شما را خلق نموده‌است. پس معلوم می‌شود عبادت مختص به خالق و کسی است که انسان را خلق نموده‌است یعنی حتی پدر و مادر یا دنیا و مادیات آن مانند سنگ، چوب، آب و زمین را نمی‌توان عبادت کرد چون آن‌ها خالق انسان نیستند. در ادامه می‌فرماید: عبادت انسان را به تقوی می‌رساند که مقصود خدای تبارک و تعالی در مورد مطلق عبادات است.

اما در مورد روزه خطاب متوجه مومنین شده و می‌فرماید: همان‌گونه که بر پیشینیان روزه واجب بود بر شما نیز روزه واجب شده‌است. البته طبق روایات انبیاء گذشته مکلف به روزه در ماه مبارک رمضان بوده‌اند اما از عنایات خدای تبارک و تعالی به پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) و امت ایشان این بود که روزه بر آن‌ها واجب شد.

یک بیان این است که بگوئیم تعبیر «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در دو آیه مساوی است یعنی بگوئیم هر عبادتی موجب تقوی است. بیان دیگر است که بگوئیم با توجه به تغییر در خطاب در این دو آیه، مراد از تقوی در آیه اول نوعی خاص از تقوی است یعنی هر عبادتی انسان را به تقوی می‌رساند اما روزه در ماه مبارک رمضان که شهر الله است به انسان درجه بالایی از تقوی را اعطا می‌کند.

گاهی سوال می‌شود که تمام ماه‌ها، لحاظ، آنات و ساعات مربوط به خدای تبارک و تعالی است پس چرا بر حسب تعبیر وارد شده از پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) عنوان «شهر الله» را دارد؟!^[6] آیا اضافه تشریفی است یا نکته‌ای در آن وجود دارد؟!

چنین به نظر می‌رسد ضیافت خاص مدنظر باشد که عنوان «شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ»^[7] یک دلیل آن است چرا که خداوند متعال یک دعوت و ضیافت مخصوص در این ماه دارد در حالی‌که ملائکه همیشه در حال دعوت مردم هستند؛ مثلاً در ماه رجب ملکی موکل می‌شود که هر شب فریاد بزند چه کسی حاجت یا دعائی دارد؟! وقتی ضیافت و دعوت خاص شد، این ماه شهر الله و منسوب به خداوند متعال می‌شود.

دلیل دیگر «جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ» است یعنی مردم در این ماه اهل کرامت الله می‌شوند و خداوند متعال هر چند در بقیه ماه‌ها اگر شخص لیاقت کرامت را داشت شاید به او اعطا نماید و شاید اعطا ننماید، اما خدای تبارک و تعالی در ماه مبارک رمضان کرامت خود را نسبت به همه انسان‌ها سرازیر می‌کند.

باضمیمه شدن این دو دلیل که در خطبه پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) و در آخرین جمعه ماه شعبان وارد شده‌است نتیجه

می‌گیریم بشر در لحظه لحظه ماه مبارک رمضان اعم از شب و روز، در حالت روزه و غیر روزه مورد لطف، عنایت، رحمت و برکت خداوند متعال است. این مطلب که دست و پای شیطان در این ماه در غل و زنجیر است نیز به همین جهت می‌باشد.

پس باید قدر این ماه را با انجام عبادت، قرائت قرآن، تفکر^[8] در مورد خدای تبارک و تعالی و درس و بحث که از مصادیق بسیار مهم عبادت خداوند متعال است، دانست. نسبت به این ماه مراقبت داشته باشید و از آن بسیار استفاده نمایید.

خداوند متعال، مرحوم امام را (ره) رحمت نماید. ایشان تعبیری در مورد این ماه دارند که بعد از روایات در کلام احدی وجود ندارد. ایشان می‌فرماید: شرط این مهمانی این است که مهمان فقط به صاحب خانه توجه داشته باشد و وجودی برای غیر از وجود صاحب خانه قائل نباشد و فقط او را ببینید.

البته این مسئله بسیار مشکل که اگر بخواهیم مراتب بالای مهمانی را درک نمائیم به هیچ وجه به غیر خداوند متعال و دنیا توجه نداشته باشیم. در این ضیافت از خدای تبارک و تعالی بخواهیم عبادات ما مانند نماز درست شود. ذهن ما از آلودگی پاک شود. این ماه، شهر ظهور است.

ابتدای ماه حساب آلودگی درون خود را داشته باشیم و در آخر ببینیم به برکت این ضیافت الهی چقدر توانسته‌ایم آلودگی‌ها کم کنیم. مبدا از نوافل خصوصاً نافله شب در این ماه غافل شویم. عمرها هم بسیار کوتاه شده‌است و معلوم نیست تا آخر یا نیمه این ماه مبارک باشیم یا نباشیم چه رسد به ماه رمضان سال آینده.

از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده‌است که ایشان می‌فرماید: مطلبی به شما می‌گویم که اگر آن را انجام دهید شیطان از شما دور می‌شود همان‌گونه که مغرب از مشرق دور شده‌است. نظیر این مطلب و روایت از امام صادق (علیه‌السلام) نیز نقل شده‌است که شخصی از ایشان می‌پرسد: چه چیزی شیطان را از ما دور می‌کند؟!^[9]

آن حضرت می‌فرماید: «الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمُؤَاظَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعَانِ دَابِرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ»^[10] یعنی روزه، روی شیطان را سیاه کرده و امیدش از شما قطع می‌شود. صدقه مخصوصاً در ماه مبارک رمضان کمر شیطان را می‌شکند. دوستی‌هایی که داریم برای خدا قرار داده و عمل صالح انجام بدهیم چرا که دابر شیطان را قطع می‌کند. استغفار نیز رگ قلب شیطان را قطع می‌کند. در روایات نیز نسبت به استغفار و دعا در ماه مبارک رمضان توصیه شده‌است.

امید است این ماه پر برکت‌ترین ماه زندگی ما باشد و خداوند متعال حجاب‌ها را از ما برطرف نموده و قلب ما را آماده برای انجام عبودت و بندگی خود نماید. حلاوت عبادت را بیشتر در ما قرار داده و حب دنیا را از ما بیرون نماید و آن‌چه که برای بهترین بندگان خود و در شب قدر قرار می‌دهد برای ما مقدر نماید.

قاطع سوم: ماندن سی روز به صورت مردد

بحث در نماز مسافر و قواطع بود. در این بحث مقصود از قاطع و این‌که آیا مراد قطع حکمی یا موضوعی است بیان شد. ادله تقصیر می‌گوید اگر مسافر هشت فرسخ به صورت امتدادی یا چهار فرسخ به صورت رفت و برگشت رفت نماز او قصر است که معنای آن سفر شرعی است.

سه امر سبب قطع سفر شرعی می‌شود: الف - مرور بر وطن یعنی اگر کسی در بین این هشت فرسخ به وطن خود برسد سفرش

قطع می‌شود. ب - اگر کسی قصد اقامه ده روزه در مکان داشته باشد سفرش قطع می‌شود. ج - اگر کسی به مکانی رسید و متردداً سی روز ماند، از روز سی و یکم به بعد ولو یک نماز، باید آن را تمام بخواند. مرحوم امام (ره) می‌فرماید: «الثالث من القواطع البقاء ثلاثين يوماً في مكان متردداً».^[11]

ادله قاطع سوم

برای این قاطع سه دلیل ذکر شده‌است. دلیل اول توسط مرحوم بروجردی (ره) در البدر الظاهر ذکر شده‌است. ایشان می‌فرماید: «هذا من الأصول المتلقاة».^[12] به نظر ایشان احکام بر دو نوع هستند: 1 - احکامی که عنوان اصول متلقاة هستند یعنی احکامی که فقهاء نزدیک به زمان حضور مانند مرحوم شیخ، صدوق، سلار (رحمة الله عليهم) و... یداً بید از اصحاب ائمه که از ایشان به صورت مأثور ذکر کرده‌اند، اخذ نموده و در کتب خود مانند مقنع، هداية، نهاية، مراسم و... ذکر نموده‌اند. 2 - احکامی که از این اصول متلقاة تفریع و استنباط شده‌اند.

ایشان می‌فرماید: اگر حکمی از قبیل نوع اول باشد برای اثبات حجیت آن نیاز به روایت یا اجماع نداریم چه رسد به شهرت. اما اگر حکمی از قبیل نوع دوم باشد اجماع در آن‌ها معتبر نیست چه رسد به شهرت. ظاهر عبارت این است که ولو اجماع بین قدما باشد.

به عبارت دیگر مشهور می‌گویند: شهرت یا اجماع بین متقدمین برای ما حجیت داشته و کاشف از قول معصوم است. اما از زمان مرحوم علامه (ره) به بعد که متأخرین هستند برای ما حجیت و اعتبار ندارد. مرحوم بروجردی (ره) درصدد تغییر این مبنا است لذا می‌فرماید: آنچه از اصول متلقاة بوده و توسط جمعی ذکر شده‌است برای ما حجیت داشته و در مورد آن نیاز به روایت نداریم.^[13]

با قطع نظر از این دلیل، اجماع منقول و محصل نیز در مورد این قاطع قائم شده‌است. اگر بگوئیم اجماع مدرکی مفید نیست این اجماع باید کنار گذاشته شود. اما طبق مبنای ما که اجماع مدرکی اشکالی ندارد این اجماع دلیل مستقل می‌شود. عمده دلیل روایاتی است که در این بحث وجود دارد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ وَأَنَا بِالْمَدِينَةِ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَلْ يُصَامُ أَمْ لَا فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «الْيَقِينُ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الشَّكُّ صُمْ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطِرْ لِلرُّؤْيَةِ». تهذيب الأحكام , جلد 4 , صفحه 159.

[2]. نساء، 150.

[3]. بقره، 183.

[4]. بقره، 21.

[5]. «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» يَعْنِي سَائِرَ [النَّاسِ] الْمُكَلَّفِينَ مِنْ وَلَدِ آدَمَ ع.» التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص 135.

[6]. «و عَنْهُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: شَعْبَانُ شَهْرِي وَ رَمَضَانُ شَهْرُ اللَّهِ.» دعائم الإسلام، ج 1، ص: 283.

[7]. الأمالي (للصدوق)، النص، ص 93.

[8]. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ «1» وَ فِي قُدْرَتِهِ.» الكافي (ط - الإسلامية)، ج2، ص55.

[9]. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوْنِي قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا الَّذِي يُبَاعِدُ عَنَّا إِبْلِيسَ قَالَ الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمُوَاظَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعَانِ دَابِرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتَيْنَهُ.» فضائل الأشهر الثلاثة، ص76.

[10]. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى قَالَ الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمُوَاظَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتَيْنَهُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ.» الكافي (ط - الإسلامية)، ج4، ص62.

[11]. تحرير الوسيلة، ج، ص261.

[12]. البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافرين، ص221.

[13]. متأسفانه نسبت به مبانی مرحوم بروجردی (ره) در فقه و اصول کمتر توجه می شود در حالی که ایشان بسیار قوی و دقیق النظر و صاحب مبنا هم در فقه و هم در اصول بوده اند.